**نام مقاله: رابطة بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان دوره‌هاي تحصيلات تكميلي دانشگاه اصفهان**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 53 \_ شماره اول، جلد 14**

**پديدآور: اعظم ميرزاصفي ، دكتر سعيد رجايي پور ،عبدالرسول جمشيديان**

**چكيده**

**هدف از اين تحقيق، تعيين رابطه بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان تحصيلات تكميلي دانشگاه اصفهان است. روش تحقيق، توصيفي ـ همبستگي و جامعة آماري شامل كلية دانشجويان سال دوم و بالاتر دوره‌هاي كارشناسي ارشد و دكتراي دانشگاه اصفهان در سال تحصيلي 88-1387، شامل 3192 نفر است. نمونة آماري 160 نفر از دانشجويان را شامل مي‌باشد كه با استفاده از روش نمونه گيري طبقه اي متناسب با حجم، انتخاب گرديد. ابزار جمع‌آوري داده‌ها شامل دو پرسشنامه محقق ساخته سواد اطلاعاتي با 35 گويه و قابليتهاي كارآفريني با 39 گويه در مقياس درجه‌بندي ليكرت بود كه ضريب آلفاي كرونباخ آنها به ترتيب85/0 و 95/0 محاسبه گرديد. براي روايي پرسشنامه‌ها، از نظرهاي متخصصان مديريت و آموزش عالي و تحليل عاملي بهره گرفته شد. نتايج نشان داد بين ميزان سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه‌اي معنادار وجود دارد(686/0r=). نتايج تحليل رگرسيون نشان داد قابليتهاي كارآفريني بيشترين رابطه را با توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات (578/0=r ) و كمترين رابطه را با توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات(495/0=r )داشته است.**

**كليدواژه‌ها: سواد اطلاعاتي، كارآفريني، دسترسي به اطلاعات، كاربرد اطلاعات، دانشجويان تحصيلات تكميلي.**

**مقدمه**

 در دهة اخير، مشغلة ذهني بسياري از سياستگذاران و دولتمردان، مسئلة اشتغال جوانان بويژه اشتغال تحصيلكردگان است. منظور از تحصيلكردگان، دانش‌آموختگاني هستند كه مطابق با نظام و برنامه درسي تدوين شده، يك دورة تحصيلي را در يك مركز علمي با موفقيت به پايان رسانيده‌اند (بدكوك[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")، 2000). تا مدتها دولت ايران براي حل مشكل بيكاري تحصيلكردگان، اشتغال‌زايي مستقيم را در دستور كار خود قرار داده بود و از طريق تقويت بخش خصوصي، موظف نمودن اين بخش به جذب دانش‌آموختگان و ارائه كمكهاي مالي و انعطاف‌پذيري مالياتي و تشويقهاي معنوي مثل اعطاي لوح تقدير به آن دسته از اشخاص، شركتها و يا سازمانهايي كه در جذب تحصيلكردگان متقاضي كار فعاليت چشمگيري داشته اند و يا ارائة مشاغل نيمه وقت، سعي در كاهش آمار تحصيلكردگان بيكار داشت. اما امروزه دولت و مؤسسه‌هاي آموزش عالي، رويكرد خود را نسبت به مسئله اشتغال تحصيلكردگان تغيير داده و دريافته‌اند كه حل اين معضل با ايجاد مستقيم شغل توسط دولت امكان‌پذير نيست، بلكه مستلزم تغيير در رويكردهاي آموزشي مؤسسه‌هاي آموزش عالي است. آموزش بايد به گونه‌اي باشد كه دانش آموختگان پس از فراغت از تحصيل، نه به دنبال كاريابي، بلكه قادر به كارآفريني باشند.

با توجه به بحث توسعة دانايي محور كه هم اكنون در همة كشورها مطرح است، رسالت دانشگاه ها تربيت دانش آموختگاني است كه بتوانند با دانش خود، گامي در جهت توسعة كشور بردارند. كارآفريني، مهمترين عامل توسعه اقتصادي و موتور محركة آن است (شومپيتر[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")، 1934). در دانشگاه‌هاي امروز، ضرورت توجه به پديدة كارآفريني و افزايش قابليتهاي كارآفرينانه در دانشجويان، بر كسي پوشيده نيست.

اكنون اين سؤال مطرح است كه ساز و كارهاي كارآفرين ساختن افراد و پرورش قابليتهاي كارآفرينانه آنان چيست و چه عواملي افزايش اين قابليتها را تسهيل مي سازد؟ در پاسخ به اين سؤالها بايد گفت، هيچ دانش جديد و هيچ طرح و ايدة مبتكرانه‌اي ايجاد نمي‌شود، مگر بر پاية طرحها و دانسته‌هاي قبلي مربوط به آن دانش. پس گام اول در ايجاد ايدة خلاق و به دنبال آن كارآفريني، احاطة نظري به علوم و نظريه هاي مرتبط با حيطة كار و نقاط ضعف و قوّت اين نظريه‌ها و طرحهاست.

در عصر حاضر كه به «عصر اطلاعات» معروف است و در جامعه‌اي كه جامعة اطلاعاتي نام نهاده شده است، مهارت دستيابي مؤثر به اطلاعات مورد نياز، با صرف حداقل زمان و هزينه، يك مهارت ارزشمند و اساسي براي همة افرادي است كه به دنبال كارآفريني هستند؛ مهارتي كه امروزه آن را سواد اطلاعاتي مي‌نامند. سواد اطلاعاتي مجموعه‌اي از توانمنديهاست كه افراد را قادر مي سازد دريابند چه موقع به اطلاعات نياز دارند و نيز توانايي مكان يابي، ارزيابي و به كارگيري مؤثر اطلاعات مورد نياز را فراهم مي‌سازد (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")، 2003).

در بخش آموزش عالي، هيئتهاي حرفه‌اي كتابداري و اطلاع‌رساني در ايالات متحدة آمريكا (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي) استانداردهايي را براي سنجش ميزان سواد اطلاعاتي تعيين كرده‌اند كه شامل 5 مؤلفة اصلي است:              1. توانايي تعيين ماهيت و وسعت اطلاعات مورد نياز 2. توانايي دسترسي مؤثر و كارآمد به اطلاعات مورد نياز3. توانايي ارزشيابي نقادانه اطلاعات و منابع آنها 4. به كار بردن و استفاده از اطلاعات براي رسيدن به يك منظور خاص 5. توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به استفاده از اطلاعات (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي، 2003، ص 10). داشتن چنين مهارتهايي، اولين و مهم‌ترين گام در جهت خلق ايده ها و در نهايت كارآفريني است.

بنا به تعريف «هيسريچ و پيترز»[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ") (2002) كارآفريني عبارت است از: «فرايند نوآوري و بهره‌گيري از فرصتها با تلاش و پشتكار بسيار و همراه با پذيرش مخاطره‌هاي مالي، رواني و اجتماعي، كه البته با انگيزة كسب سود مالي، توفيق‌طلبي، رضايت شخصي و استقلال، صورت مي‌پذيرد.» (ص53)

در پژوهشهايي كه راجع به كارآفرينان صورت گرفته، مشخص شده است كه كارآفرينان داراي ويژگيهاي شخصيتي خاصي مانند نياز به توفيق، مركز كنترل دروني، مخاطره پذيري، استقلال طلبي و خلاقيت هستند (مقيمي، 1383). در پژوهش حاضر، اين ويژگيها به عنوان قابليتهاي كارآفريني در نظر گرفته شده است. همچنين، براي تبيين مفهوم سواد اطلاعاتي، از استانداردهاي تعيين شده توسط انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي آمريكا استفاده گرديده است.

در اين مقاله، نخست پيشينة تحقيق در دو بخش جداگانه ارائه شده و سپس ارتباط بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني بررسي و سؤالهاي پژوهش و يافته‌ها مطرح و در پايان نيز نتيجه‌گيري و پيشنهادهاي كاربردي ارائه گرديده است.

**مفهوم سواد اطلاعاتي**

سواد، مفهوم گسترده اي است كه وجوه و ابعاد بسيار زيادي دارد و در هر زمان، بنا به شرايط و مقتضيات فرهنگي، اقتصادي و اجتماعي، تعريفهاي متفاوتي يافته است. پيچيدگي روز افزون حاكم بر محيطهاي مجازي، افراد را با گسترة وسيعي از اطلاعات و گزينشهاي متنوع در مطالعات علمي روبه رو كرده است. اطلاعات از طرق مختلف قابل دستيابي است و بدون عبور از صافيهاي خاص، به افراد منتقل مي‌شود و ناگزير به دنبال خود سؤالهايي را در باب موثّق بودن، كيفيت و صحت داده‌ها به همراه مي‌آورد.

بر اين اساس، افراد بايد قادر باشند اطلاعات چاپي و الكترونيكي را ارزيابي، تجزيه و تحليل و توليد كنند. در حقيقت، فراواني اطلاعات به تنهايي موجب افزايش سطح آگاهي شهروندان نمي‌شود، بلكه كسب اطلاعات مستلزم به دست آوردن توانمنديها وقابليتهاي ضروري براي بهره‌‌برداري از اين اطلاعات است (نوروزي چاكلي،1383،ص35).

اگرچه سواد اطلاعاتي با مهارتهاي فناوري اطلاعات مرتبط است، تبعات بيشتري را براي افراد نظام آموزشي و جامعه به دنبال دارد. براي روشن‌تر شدن مفهوم سواد اطلاعاتي، بايد تفاوت ميان سواد اطلاعاتي با مفاهيمي مانند دانش رايانه‌اي و مهارتهاي فني ديگر در بهره‌برداري از اطلاعات، مورد بحث قرار گيرد. سواد رايانه‌اي، منوط به فراگيري روشهاي عمومي و متداول در بهره‌گيري از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهاي ويژه است، اما مفهوم فناوري اطلاعات بر شناخت مفاهيم زيربنايي فناوري در رفع مشكلات همراه با تفكري موشكافانه در بهره‌برداري از آن تأكيد دارد. سواد اطلاعاتي، بر مواردي همچون محتوا، ارتباطات، تجزيه وتحليل، كاوش اطلاعات و سرانجام ارزيابي آن تأكيد مي‌‌ورزد.

در واقع، سواد اطلاعاتي مجموعه اي از توانمنديهاست كه افراد را قادر مي‌سازد دريابند چه موقع به اطلاعات نياز دارند و نيز توانايي مكان‌يابي، ارزيابي و به‌ كارگيري مؤثر اطلاعات مورد نياز را فراهم مي‌سازد (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي، 2003، ص8)**.** سواد اطلاعاتي با استفاده از تواناييها و قابليتهاي فردي، اساس يادگيري مداوم را پايه‌گذاري مي‌كند؛ از فناوري بهره مي‌جويد، ولي در نهايت مستقل از آن عمل مي‌كند.

**استانداردهاي سواد اطلاعاتي**

قابليتهاي سواد اطلاعاتي مشتمل بر پنج استاندارد و 22 شاخص عملكردي است. اين استانداردها بر نيازهاي دانشجويان آموزش عالي در همة سطوح متمركز شده است (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي، 2003، ص14). استانداردهاي سواد اطلاعاتي، عبارتند از:

استاندارد1. دانشجوي باسواد اطلاعاتي، ماهيت و گسترة اطلاعات مورد نياز را تشخيص مي‌دهد.

استاندارد2. دانشجوي باسواد اطلاعاتي، به شكل مؤثر و كارآمد به اطلاعات مورد نياز دست پيدا مي‌كند.

استاندارد3. دانشجوي باسواد اطلاعاتي، اطلاعات و مآخذ آن را به صورت منتقدانه ارزيابي و اطلاعات انتخاب شده را بر مبناي دانش و نظام ارزشي خود تلفيق مي‌كند.

استاندارد4. دانشجوي باسواد اطلاعاتي به صورت انفرادي يا به عنوان عضوي از يك گروه، اطلاعات را براي انجام يك مقصود خاص، به صورت مؤثر مورد استفاده قرار مي دهد.

استاندارد5. دانشجوي باسواد اطلاعاتي، بسياري از موضوعات اقتصادي، حقوقي و اجتماعي مربوط به استفاده از اطلاعات را درك و با رعايت اصول اخلاقي و قانوني، به اطلاعات دسترسي مي‌يابد و از آنها استفاده مي‌كند.

**ديدگاه‌هاي مختلف در خصوص كارآفريني**

مفهوم كارآفريني، نخستين بار مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفت و از قرن شانزدهم تا كنون تقريباً تمامي مكتبهاي اقتصادي، آن را مورد توجه قرار داده‌اند. كارآفريني در طول دوره‌هاي مختلف مفاهيم متعددي يافته است و در هر دوره نظريه‌پردازان بر يكي از جنبه‌هاي آن تأكيد كرده‌اند. اين امر ناشي از گستردگي و پيچيدگي فرايند كارآفريني و طيف وسيعي از ويژگيهايي است كه توسط نظريه‌پردازان براي افراد كارآفرين در نظر گرفته مي شود. جدول2، ديدگاه‌هاي مختلف راجع به كارآفريني را در دوره هاي مختلف، نشان مي‌دهد.

**جدول2. ديدگاه‌هاي مختلف راجع به كارآفريني در دوره‌هاي مختلف**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **دوره** | **سال** | **برهة تاريخي** | **كارآفرين** | **سرمايه گذار** | **پذيرش ريسك توسط كارآفرين** |
| دوره اول | قرنهاي  15و 16 | دوره قدرتمندي حكومتهاي فئودالي در اروپا | مسئول اجراي طرحهاي بزرگ | حكومتهاي محلي | وجود ندارد |
| دوره دوم | قرنهاي 17 | شروع انقلاب صنعتي | مخاطره‌پذير | كارآفرين | وجود دارد |
| دوره سوم | قرون  18 و 19 | اوج انقلاب صنعتي | متمايز از تأمين كننده سرمايه | سرمايه‌گذار ومدير كسب و كار | وجود ندارد |
| دوره چهارم | دهه مياني قرن 20 | افزايش رقابت در بازار محصولات | نوآور و توسعه‌دهندة فناوريها | كارآفرين | وجود دارد |
| دوره پنجم | از 1980 تا كنون | موج جديد ايجاد كسب و كارهاي كوچك | تسريع كننده ايجاد و افزايش سرمايه | سرمايه‌گذار يا كارآفرين | وجود دارد |

**احمدپور دارياني، كارآفريني: تعاريف، نظريات و الگوها،1383، ص 83**

اكنون به برخي از تحقيقات انجام شده در خصوص كارآفريني و نتايج حاصل از آنها، پرداخته مي‌شود.

«قناديان» (1387) تحقيقي با عنوان «بررسي ميزان موفقيت دانشگاه‌هاي دولتي شهر اصفهان در تحقق رسالت كارآفريني» روي 230 نفر از دانشجويان دانشگاه‌هاي دولتي اصفهان انجام داد. ابزار گردآوري داده‌ها در اين پژوهش، پرسشنامه‌اي محقق ساخته بود كه قابليتهاي كارآفريني دانشجويان دانشگاه‌ها را بررسي مي‌كرد. روش تجزيه و تحليل و نتيجه‌گيري نهايي چنين بود كه نمره‌هاي كسب شده در زمينة قابليتهاي كارآفريني توسط دانشجويان سال اولي با نمره‌هاي دانشجويان سال آخري مقايسه شود و چنانچه نمره‌هاي سال آخري‌ها تفاوت معناداري با نمرات سال اولي‌ها داشت، عملكرد دانشگاه در خصوص تحقق رسالت كارآفريني، موفق محسوب مي‌شد. نتايج نشان داد بين نمره‌هاي كسب شده توسط دانشجويان سال اولي و سال آخري در خصوص مؤلفه‌هاي كارآفريني (ريسك‌پذيري، استقلال‌طلبي، خلاقيت، انگيزه پيشرفت و كنترل دروني) تفاوت معناداري وجود ندارد. در نتيجه، دانشگاه‌هاي دولتي اصفهان در تحقق رسالت كارآفريني موفق نبوده‌اند. در ضمن، نتايج اين تحقيق نشان داد بين قابليتهاي كارآفريني دانشجويان بر اساس جنسيت و ميانگين نمره‌ها و رشتة آنان، تفاوت وجود ندارد.

«بدري» (1386) در پژوهشي، قابليتهاي كارآفريني دانشجويان دانشگاه اصفهان را بررسي نمود. اين پژوهش با استفاده از روش توصيفي پيمايشي صورت گرفت و ابزار گردآوري داده‌ها پرسشنامه محقق ساختة قابليتهاي كارآفريني بود. اين پژوهش نشان داد قابليتهاي كارآفريني دانشجويان در استقلال طلبي، انگيزة پيشرفت و خلاقيت، از حد ميانگين بالاتر بوده، اما نمره‌هاي مخاطره‌پذيري، پايين‌تر از حد ميانگين بوده است. همچنين، نتايج اين تحقيق نشان داده بود بين قابليتهاي كارآفريني دانشجويان از لحاظ جنسيت و ميانگين نمره‌ها، تفاوت معناداري وجود ندارد.

«گورول و آستن»[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") (2006) در بررسي قابليتهاي كارآفريني دانشجويان دانشگاه تركيه كه به منظور تدوين برنامه‌هاي آموزش كارآفريني در دانشگاه‌ها صورت گرفت، از متغيرهايي مانند نوآوري، توفيق‌طلبي، مركز كنترل، مخاطره‌پذيري، تحمل ابهام و اعتماد به نفس به عنوان قابليتهاي كارآفريني استفاده كردند. در اين بررسي، پرسشنامه‌هايي در ميان 400 نفر از دانشجويان توزيع شد كه حاوي سؤالهايي دربارة متغيرهاي ذكر شده بود. نتايج نشان داد نمره‌هاي كسب شده توسط دانشجويان در مؤلفه‌هاي نوآوري، توفيق‌طلبي، مركز كنترل دروني و مخاطره‌پذيري، بيش از حد ميانگين بوده است.

**ارتباط سواد اطلاعاتي و كارآفريني**

  كارآفريني به مفهوم بهره‌گيري از فرصتها، با تلاش و پشتكار بسيار و همراه با پذيرش مخاطره‌هاي مالي، رواني و اجتماعي است (هيسريچ و پيترز، 2002، ص53). نكته حايز اهميت آن است كه بهره‌گيري از فرصتها در درجه اول مستلزم شناخت فرصتها وهمچنين ويژگيها و مهارتهاي مورد نياز براي استفاده از اين فرصتهاست و اين شناخت و آگاهي، مستلزم كسب اطلاعات است. سواد اطلاعاتي به عنوان ابزار دستيابي به دانش و اطلاعات، در شناخت فرصتها و بهره‌گيري از آنها، به كارآفرينان كمك شاياني مي‌كند و اين نقطة اشتراك سواد اطلاعاتي و كارآفريني است.

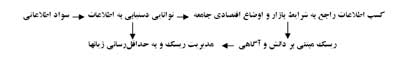
به طور كلي، ارتباط ميان دو مؤلفة سواد اطلاعاتي و كارآفريني را از دو بُعد مي‌توان بررسي كرد: 1. نقش و تأثير سواد اطلاعاتي در رشد و پرورش ويژگيهاي شخصيتي كه از ملزومات كارآفريني به شمار مي‌آيند، مانند خلاقيت، مخاطره‌پذيري، توفيق‌طلبي و استقلال‌طلبي. 2. نقش سواد اطلاعاتي در فرايند انجام يك فعاليت اقتصادي مبتني بر فناوريهاي نوين در جامعة اطلاعاتي كنوني و كمك به تحقق مفهوم كارآفريني مبتني بر دانش.

**نقش سواد اطلاعاتي در تقويت مخاطره‌پذيري كارآفرينان**

تمايل به پذيرش مخاطره، يكي از ويژگيهاي برجستة كارآفرينان است. اصولاً شروع و ادامة يك پروژة كسب و كار، با مخاطره همراه است. اگر فرد كارآفرين قادر به پذيرش اين مخاطره نباشد، نمي‌تواند به هدفهاي خود دست يابد. اما مخاطره ناآگاهانه و بدون شناخت شرايط بازار و وضعيت اقتصادي جامعه، نه تنها نمي‌تواند كارآفرين را در رسيدن به هدفهاي خود موفق گرداند، بلكه ممكن است به زيانهاي اقتصادي منجر گردد كه براي فرد جبران‌ناپذير باشد. پس هر ريسكي در كار اقتصادي، بايد بر دانش و آگاهي مبتني باشد. آگاهي از شرايط بازار و وضعيت اقتصادي، فرد كارآفرين را قادر به پيش‌بيني شرايط مي‌سازد و در نتيجه مي‌تواند تصميمات صحيحي بر مبناي پيش‌بيني‌هاي آگاهانة خود اتخاذ نمايد. راه رسيدن به اين آگاهي و بينش، اطلاعات صحيح و جامع است (اسلاتر[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ")، 2003).

در دنياي كنوني كه جامعة اطلاعاتي جايگزين جامعة صنعتي شده، صنعت و اقتصاد نيز تحت تأثير اطلاعات قرار گرفته است. بروز پديده‌هايي مانند تجارت الكترونيكي و بازاريابي اينترنتي، از مصداقهاي اين تأثير و تأثر است. در چنين شرايطي، شخصي مي‌تواند در يك كسب و كار اقتصادي موفق باشد كه قادر به انطباق با شرايط تغيير يافتة كنوني باشد. راه دسترسي به اطلاعات صحيح و جامع براي تصميم‌گيري در مورد يك پروژة توأم با ريسك، آشنايي با روشهاي جستجوي اطلاعات و منبع‌يابي اطلاعات مورد نظر و نيز توانايي تحليل و بررسي مقايسه‌اي و تطبيقي اطلاعات براي اطمينان از صحت و سقم اطلاعات است. موارد ذكر شده، همان مهارتهاي مربوط به سواد اطلاعاتي است. فرد مجهز به اين مهارتها، توانايي دسترسي آسان و سريع به اطلاعات با صرف حداقل زمان و هزينه را دارد.

در مباحث مديريتي، مديريت مخاطره[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ") به عنوان يكي از مهارتهاي ضروري مديريتي مطرح است. مديريت ريسك، فرايندي جامع است كه به منظور تعيين، شناسايي، كنترل و به حداقل رساندن تأثيرها و عواقب رويدادهاي احتمالي، مورد استفاده قرار مي‌گيرد. هدف مديريت ريسك، كاهش ريسك اجرايي برخي فعاليتها و فرايندها به سطح قابل قبول است. فرايند ارزيابي ريسك[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") اولين فاز از مجموعه فعاليتهاي مديريت ريسك است و به معناي تعيين و ارزيابي مؤلفه‌هايي است كه ممكن است موفقيت يك پروژه يا دستيابي به يك هدف را به مخاطره بيندازند (سترگ دره شوري، 1384). اين فرايند، مستلزم در اختيار داشتن اطلاعات و بينش جامع نسبت به شرايط و توانايي پيش‌بيني اوضاع و تصميم‌گيري بر اساس همين بينش جامع است.



**نقش سواد اطلاعاتي در تقويت خلاقيت**

خلاقيت يكي از ويژگيهايي است كه در اكثر كارآفرينان وجود دارد. در حقيقت، خلاقيت و نوآوري اجزاي جدايي‌ناپذير كارآفريني مي‌باشند. خلاقيت به معناي به كارگيري تواناييهاي ذهني براي ايجاد يك فكر يا مفهوم جديد است. از ديدگاه سازماني، مفهوم خلاقيت را مي‌توان ارائة فكر و طرح نوين براي بهبود و ارتقاي كميت يا كيفيت فعاليتهاي سازمان از قبيل افزايش بهره‌وري توليدات يا خدمات و كاهش هزينه‌ها از روش بهتر و جديد دانست. خلاقيت متجلي شده و به مرحلة عمل رسيده و يا انديشة خلاّق تحقق يافته را نوآوري مي‌گويند (مرديث و همكاران[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")، ترجمة بني‌ئيان، 1371). حال سؤال اين است كه ايده هاي خلاقانه و طرحهاي مبتكرانه از كجا نشأت مي‌گيرد؟ به بيان ساده‌تر، براي پرورش و رشد اين‌گونه ايده‌ها، چه مهارتهايي براي فرد كارآفرين مورد نياز است و چه تمهيداتي در اين زمينه بايد انديشيده شود؟ در پاسخ به اين سؤالها بايد گفت هيچ دانش جديد و هيچ طرح و ايدة جديدي ايجاد نمي‌شود مگر بر پاية طرحها و دانسته‌هاي قبلي مربوط به آن دانش. پس گام اول در ايجاد ايدة خلاّق و به دنبال آن كارآفريني، احاطة نظري به علوم و نظريه‌هاي مرتبط با حيطة كار و نقاط ضعف و قوت اين نظريه‌ها و طرحهاست (فريمن[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ") ، 2002). ابزار دسترسي به اين چارچوب نظري، سواد اطلاعاتي است. 

|  |
| --- |
| **پرورش ايده‌هاي خلاقانه** |

|  |
| --- |
| **دسترسي به ايده‌ها و نظريه‌هاي موجود** |

|  |
| --- |
| **توانايي دستيابي به اطلاعات** |

|  |
| --- |
| **سواد اطلاعاتي** |

|  |
| --- |
| **پرورش ايده‌هاي خلاقانه** |

|  |
| --- |
| **دسترسي به ايده‌ها و نظريه‌هاي موجود** |

|  |
| --- |
| **توانايي دستيابي به اطلاعات** |

|  |
| --- |
| **سواد اطلاعاتي** |

|  |
| --- |
| **پرورش ايده‌هاي خلاقانه** |

|  |
| --- |
| **دسترسي به ايده‌ها و نظريه‌هاي موجود** |

|  |
| --- |
| **توانايي دستيابي به اطلاعات** |

|  |
| --- |
| **سواد اطلاعاتي** |

http://www.aqlibrary.org/UserFiles/Image/011110000001111.jpg

**نقش سواد اطلاعاتي در توفيق‌طلبي و استقلال‌طلبي كارآفرينان**

توفيق‌طلبي و استقلال‌طلبي، از ديگر ويژگيهاي منحصر به فرد كارآفرينان است. استقلال‌طلبي را مي‌توان كنترل داشتن بر سرنوشت خويش وكار را براي خود انجام دادن، تعريف كرد (مك كران و فلانگيان، 1996، ص 12). در تحقيقي كه در سال 1991 بر روي صاحبان شركتهاي كوچك انجام شد، اهميت نياز به استقلال به عنوان يك عامل انگيزشي آشكار گرديد. 33% كساني كه در اين تحقيق مورد بررسي قرار گرفتند و از كار خود در شركت دست كشيده بودند، اظهار داشتند دليل اصلي ترك شغل اين بوده كه آنان مي‌خواستند در كارشان استقلال عمل داشته باشند (لانگ نكر و همكاران[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")، 1997، ص 38). در واقع، نياز به استقلال، عاملي است كه سبب مي شود تا كارآفرينان به هدفها و رؤياهاي خود دست يابند. احساس خشم آنها از نظام خشك ديوان سالاري همراه با تعهد خالصانه در ايجاد تغيير، به شخصيت استقلال‌طلب آنها كه مي‌خواهند همه چيز را به شيوة خود انجام دهند، اضافه مي‌شود (جنينگز و همكاران[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")، 1994). اما اين استقلال طلبي هنگامي معنا پيدا مي‌كند كه فرد كارآفرين تواناييها و قابليتهاي لازم براي ايجاد يك كسب و كار مستقل را داشته باشد.

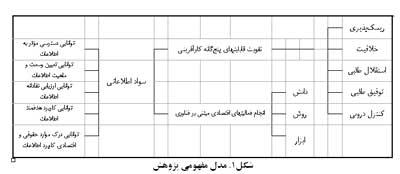
 شناخت نسبت به ماهيت كار و مسائل و مشكلات موجود و راهكارهاي مربوط به رفع اين مشكلات، لازمة استقلال طلبي است. سواد اطلاعاتي به صورت تلويحي، نقش مهمي در استقلال‌طلبي معقولانة فرد كارآفرين دارد. به علاوه، استقلال‌طلبي هنگامي كه با مخاطره‌پذيري همراه مي‌شود، شرايط دشواري را براي كارآفرين ايجاد مي‌كند، زيرا اقدام به مخاطره براي فرد كارآفرين، هنگامي كه شركايي وجود نداشته باشند كه مسئوليت زيان احتمالي ناشي از ريسك با آنها تقسيم شود، بسيار دشوار خواهد بود. با توجه به اين‌كه عقلانيت جزء جدايي‌ناپذير يك فعاليت اقتصادي است، بايد پذيرفت تمايل به استقلال و مخاطره به طور همزمان فقط در صورتي عقلاني و منطقي است كه فرد نسبت به شرايط و مسائل كسب و كار، آگاهي و احاطة كامل داشته باشد.

ويژگي ديگر كارآفرينان، توفيق‌طلبي است. موفقيت در گرو توانايي انجام كار است و دانايي پيش‌نياز توانايي است. هنگامي كه كسي دانش و توانمندي انجام كاري را داشته باشد، به موفقيت دست خواهد يافت (ماچلوپ[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")، 2000). البته، در انجام هر كاري ممكن است مشكلات و مسائل غير قابل پيش‌بيني وجود داشته باشد وخلاقيت لازمة مقابله با اين مشكلات است. حل مشكلات و رسيدن به موفقيت در هرصورت نيازمند دانش و اطلاعات است و سواد اطلاعاتي راه رسيدن به اين دانش مي باشد.  
  


**نقش سواد اطلاعاتي درفرايند انجام يك فعاليت اقتصادي مبتني بر فناوريهاي نوين**

جهاني شدن بازارها، شرايطي را ايجاد كرده است كه ديگر با روشهاي سنتي نمي‌توان به انجام فعاليتهاي اقتصادي پرداخت. پس شروع هر كسب و كاري در شرايطي مي‌تواند موفقيت‌آميز باشد كه بر دانش و فناوري نوين مبتني باشد. فناوري داراي سه بُعد (دانش، ابزار و روش) است. تحول در هر يك از اين ابعاد، به تحول در فناوري منجر مي‌شود. دانش، به بُعد تئوريك مربوط به فناوري گفته مي‌شود؛ بدين معنا كه فرد بداند براي انجام هر كاري به صورت مجازي چه فرايندي طي مي‌شود و به چه مهارتهايي نياز دارد. ابزار، به بعد سخت‌افزاري فناوري مربوط است و بدين معناست كه فرد وسايل و تجهيزات مورد نياز براي استفاده از يك فناوري خاص را در اختيار داشته باشد و روش، دانستن چگونگي عملي انجام يك كار است (مور[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")، 2000). براي مثال، هنگام برآورد كردن قيمت يك كالا با استفاده از اينترنت، اطلاع از سايتهاي مربوط به برآورد قيمت، به بعد دانش مربوط است. رايانه و ساير ابزاري كه براي دسترسي به اينترنت مورد استفاده قرار مي‌گيرند، بُعد ابزار است. و اين مهارت كه هنگام وارد شدن به فرايند جستجوي اطلاعات فرد دقيقاً بداند كه اطلاعات مورد نياز در كدام بخش سايت مربوط وجود دارد يا قادر به استفاده از روشهاي ديگر براي يافتن محل دقيق اطلاعات باشد، به بعد روش مربوط مي‌باشد. در اين مثال، سواد اطلاعاتي دو بُعد دانش و روش را شامل مي‌شود. در نتيجه، ارتباط سواد اطلاعاتي و كارآفريني را مي‌توان به اين صورت نيز بيان كرد كه كارآفريني فعاليت اقتصادي توأم با خطرپذيري است كه با توجه به جامعة اطلاعاتي امروز و جهاني شدن بازارها، نمي‌تواند مستقل از فناوري و مهارتهاي مربوط به استفاده ازآن، موفقيتي را كسب كند. فناوري اطلاعات نيز داراي سه بُعد اصلي است كه يك بعد آن (بعد ابزار) به وسايل و سخت‌افزار مربوط است و دو بُعد ديگر آن (دانش و روش) مهارتهاي نرم‌افزاري هستند كه مستلزم كسب دانش و مهارت مي‌باشند. اين دانش و مهارت، به چگونگي دسترسي به اطلاعات مربوط مي‌باشد كه در اصطلاح «سواد اطلاعاتي» ناميده مي‌شود. (اكبري، 1380).

 ارتباط بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني، درشكل 1 قابل مشاهده است.



**سؤالهاي ويژة پژوهش**

 1. بين توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان رابطه وجود دارد؟

2. بين توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان رابطه وجود دارد؟

3. بين توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه وجود دارد؟

4 . بين توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان رابطه وجود دارد؟

5. بين توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي كاربرد اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان رابطه وجود دارد؟

**روش پژوهش**

با در نظر گرفتن هدف پژوهش حاضر كه بررسي رابطه بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان تحصيلات تكميلي است، روش تحقيق توصيفي از نوع همبستگي انتخاب شده است.

جامعة آماري اين پژوهش، كلية دانشجويان سال دوم و بالاتر مقطع تحصيلي كارشناسي ارشد و دكتراي دانشگاه اصفهان در سال 88-1387، شامل 3192 نفر، است.

حجم نمونه ، 160 نفر در نظرگرفته شده است. كفايت حجم نمونه بر اساس توان آماري بالاتر از8/0 و سطح معناداري نزديك به صفر در تجزيه و تحليل سؤالها مورد تأييد قرار گرفته است.

روش نمونه‌گيري به دليل اين‌كه جامعة آماري از دانشكده‌هاي مختلف بودند، تصادفي طبقه‌اي متناسب با حجم در نظر گرفته شده است و نسبت محاسبه شده براي هر طبقه ( دانشكده) متناسب با حجم آنان در جامعة آماري محاسبه شده است.

ابزار گردآوري داده‌هاي پژوهش، دو پرسشنامه محقق ساخته سواد اطلاعاتي و كارآفريني را شامل است.

پرسشنامهسواد اطلاعاتي بر اساس مؤلفه‌ها و گويه‌هاي سواد اطلاعاتي (تعيين شده توسط انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي آمريكا) توسط محقق تدوين گرديده است و داراي 35 سؤال بسته پاسخ از نوع پنج درجه‌اي ليكرت مي‌باشد. پرسشنامه كارآفريني شامل 39 سؤال بسته پاسخ با مقياس 5 درجه اي ليكرت (از كاملاً موافقم تا كاملا مخالفم) مي‌باشد كه از طريق آن مؤلفه‌هاي توفيق‌طلبي، استقلال‌طلبي، مخاطره‌پذيري، خلاقيت و مركز كنترل دروني مورد سنجش قرار مي‌گيرد.

ضريب آلفاي كرونباخ، با استفاده از نرم‌افزار آماري[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")  SPSSبراي پرسشنامة سواد اطلاعاتي 85/0 و براي پرسشنامة قابليتهاي كارآفريني 95/0 تعيين گرديد. همچنين، ضريب آلفاي كرونباخ براي تعيين پايايي هريك از مؤلفه‌هاي دو متغير سواد اطلاعاتي و كارآفريني، به صورت جداگانه مورد استفاده قرار گرفت . ضريبهاي به دست آمده در جدولهاي 3 و4 قابل مشاهده است.

**جدول3. پايايي مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي**

|  |  |
| --- | --- |
| **مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي** | **ضريب آلفاي كرونباخ** |
| توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات | 83/0 |
| توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات | 72/0 |
| توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات | 71/0 |
| توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات | 80/0 |
| توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به استفاده از اطلاعات | 77/0 |

**جدول4. پايايي مؤلفه‌هاي كارآفريني**

|  |  |
| --- | --- |
| **مؤلفه‌هاي كارآفريني** | **ضريب آلفاي كرونباخ** |
| مخاطره‌پذيري | 78/0 |
| خلاقيت | 81/0 |
| كنترل دروني | 70/0 |
| توفيق طلبي | 78/0 |
| استقلال طلبي | 74/0 |

نتايج تحليل عاملي پرسشنامه سواد اطلاعاتي، پنج مؤلفة توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات، توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات، توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات، توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات، توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به استفاده از اطلاعات) را تأييد كرد. آزمون76/0 KMO= و آزمون بارتلت (0001/0≥P) نشان داد حجم نمونه كافي است و عوامل مورد نظر در جامعه وجود دارد. نتايج بارهاي عاملي بالاتر از 3/0 با چرخش متعامد، عوامل ذكر شده را تأييد كرد.

نتايج تحليل عاملي پرسشنامه كارآفريني نيز پنج عامل مورد نظر (خلاقيت، ريسك‌پذيري، استقلال‌طلبي، توفيق‌طلبي و كنترل دروني) را تأييد كرد. آزمون77/0 KMO= و آزمون بارتلت (0001/0≥P) نشان داد حجم نمونه كافي است و عوامل مورد نظر در جامعه وجود دارد. نتايج بارهاي عاملي بالاتر از 3/0 با چرخش متعامد، عوامل ذكر شده را تأييد كرد.

براي تجزيه و تحليل داده، از آمار توصيفي و استنباطي استفاده شده است. در سطح توصيفي، با استفاده از مشخصه‌هاي آماري نظير فراواني، درصد، ميانگين و انحراف معيار، اطلاعات تجزيه و تحليل و در سطح استنباطي از ضريب همبستگي پيرسون، رگرسيون چند متغيره استفاده شده است.

**يافته‌ها**

با توجه به اطلاعات و داده‌هاي گسترده‌اي كه از اين پژوهش به دست آمده است، امكان درج همة آنها در اين بخش ميسر نيست. به همين دليل، نتايج و يافته‌هاي پژوهش با رعايت اختصار ارائه شده است.

يييتتيتتيتتيتتيتبتبت

**جدول4. ضريب همبستگي بين سواد اطلاعاتي و مؤلفه‌هاي آن با كارآفريني**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ضريب همبستگي** | **كارآفريني** | | | |
| **r** | **p** | **R2** | **n** |
| **سواد اطلاعاتي** | 685/0 | 000/0 | 46/0 | 150 |
| **تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات** | 544/0 | 001/0 | 29/0 | 150 |
| **دسترسي مؤثر به اطلاعات** | 547/0 | 001/0 | 29/0 | 150 |
| **توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات** | 578/0 | 001/0 | 32/0 | 150 |
| **توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات** | 495/0 | 001/0 | 21/0 | 150 |
| **درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به استفاده از اطلاعات** | 510/0 | 001/0 | 26/0 | 150 |

بر اساس يافته‌هاي جدول4، ضريب همبستگي بين سواد اطلاعاتي با كارآفريني نشان مي‌دهد بين سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني رابطه‌اي معنادار وجود دارد.

ميزان همبستگي بين دو متغير 685/0 r=  بوده كه اين امر نشان دهندة همبستگي خطي بين دو متغير است. ضريب تعيين نيز نشان مي‌دهد 46% واريانس سواد اطلاعاتي با كارآفريني مشترك است.

همچنين، ضريب همبستگي بين 5 مؤلفه سواد اطلاعاتي با كارآفريني محاسبه و مشاهده شد كه همبستگي مثبتي بين هر 5 مؤلفة سواد اطلاعاتي با كارآفريني وجود دارد.

از ميان مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي، كارآفريني بيشترين رابطه را با توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات (578/0) داراست و پس از آن با دسترسي مؤثر به اطلاعات (547/0) تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات (544/0) درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به استفاده از اطلاعات (510/0) رابطه دارد. و كمترين رابطه، به توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات(510/0) مربوط است.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | **ضريبهاي غيراستاندار** | | **ضريب استاندارد** | **t** | **p** |
| **B** | **خطاي  استاندارد** | **Beta** |
| **گام اول** | ضريب ثابت  توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات | 49/78  24/2 | **94/7**  **261/0** | 578/0 | 87/9  61/8 | 001/0  001/0 |
| **گام دوم** | ضريب ثابت  توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات  تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات | 47/56  57/1  40/1 | **93/8**  287/0  312/0 | 404/0  333/0 | 32/6  47/5  50/4 | 001/0  001/0  001/0 |
| **گام سوم** | ضريب ثابت  توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات  تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات  درك موارد حقوقي و اقتصادي | 75/50  13/1  27/1  965/0 | **92/8**  317/0  307/0  331/0 | 293/0  303/0  221/0 | 68/5  59/3  16/4  91/2 | 001/0  001/0  001/0  004/0 |
| **گام چهارم** | ضريب ثابت  توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات  تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات  درك موارد حقوقي و اقتصادي  دسترسي مؤثر به اطلاعات | 46/46  938/0  08/1  754/0  725/0 | **04/9**  327/0  317/0  342/0  339/0 | 241/0  257/0  173/0  177/0 | 13/5  86/2  41/3  20/2  14/2 | 001/0  005/0  001/0  029/0  034/0 |

بر اساس يافته هاي جدول 5، طبق نتايج رگرسيون چند متغيره، بهترين پيش‌بيني‌كننده‌هاي قابليتهاي كارآفريني تواناييِ ارزيابي نقادانة اطلاعات، تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات، درك موارد حقوقي و اقتصادي و دسترسي مؤثر به اطلاعات بوده است. از بين مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي، مؤلفة «توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات در معادلة رگرسيون» معنادار نيست؛ يعني اين مؤلفه توانايي پيش بيني قابليتهاي كارآفريني را دارا نمي‌باشد.

**بحث و نتيجه**

در اين پژوهش، تلاش بر اين بود كه رابطه بين دو متغير سواد اطلاعاتي و قابليتهاي كارآفريني در بين دانشجويان تحصيلات تكميلي دانشگاه اصفهان بررسي گردد. در اين بخش، به تجزيه و تحليل نتايج پژوهش با نظر به سؤالهاي ويژة تحقيق، پرداخته مي‌شود.

ضريب همبستگي بين سواد اطلاعاتي با قابليتهاي كارآفريني، نشان داد بين سواد اطلاعاتي و كارآفريني رابطه‌اي معنادار وجود دارد؛ بدين معنا كه با افزايش ميزان سواد اطلاعاتي دانشجويان، مي‌توان پيش‌بيني نمود كه قابليتهاي كارآفريني آنان نيز افزايش يابد.

1. بين توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه وجود دارد؟

تجزيه و تحليل يافته‌هاي مربوط به سؤال اول تحقيق نشان داد بين تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات با كارآفريني، همبستگي وجود دارد.

توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات مورد نياز، نقش اساسي در تقويت قابليتهاي كارآفريني دانشجويان ايفا مي‌كند. «قاسمي» (1386) اين مهارت را گام اوليه و اساسي در دستيابي به اطلاعات به شمار مي‌آورد. توانايي تعيين وسعت و ماهيت اطلاعات در قالب مهارتهايي مانند توانايي استفاده از منابع تحقيقاتي الكترونيكي، توانايي تلفيق اطلاعات موجود با افكار و تجربه‌هاي قبلي، تسلط به زبان انگليسي به عنوان زبان بين‌المللي، تعريف مي‌گردد (انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي و تحقيقاتي[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")، 2003)**.**

توانايي در استفادة پيشرفته از منابع تحقيقاتي الكترونيكي باعث مي‌شود فرد كارآفرين بتواند به اطلاعات جديد دست يابد، زيرا مجله‌ها و اطلاعات به روز دنيا اغلب در زمينة اقتصاد و كسب و كار در منابع تحقيقاتي الكترونيكي و سايتهاي تخصصي موجود است. دارا بودن اين مهارتها، فرد را در تطبيق با شرايط و تصميم‌گيري در خصوص فعاليتهاي اقتصادي خود، ياري مي‌دهد. توانايي تلفيق اطلاعات با اطلاعات قبلي نيز به فرد اين امكان را مي‌دهد كه با دانش نسبت به اوضاع اقتصادي و زمينة كاري خود، و دانش و تجربياتي كه قبلا در اين زمينه كسب كرده است و تلفيق اين دانسته‌ها با دانش مربوط به تغييرات و تحولات جديد دنياي اقتصاد، قادر به پيش‌بيني شرايط و اوضاع اقتصادي در آينده گردد و بتواند بر اساس برآورد صحيح از شرايط آتي، تصميم بگيرد. استفاده از اينترنت و كسب اطلاعات از طريق سايتهاي تخصصي، مستلزم تسلط به زبان انگليسي است، زيرا اكثر متون تخصصي و علمي در زمينة اقتصاد و كسب و كار به زبان بين‌المللي موجود است.

2. بين توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه‌اي وجود دارد؟

تجزيه و تحليل يافته‌هاي مربوط به سؤال دوم تحقيق نشان داد بين دو متغير توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات با كارآفريني در سطح 05/0p رابطه‌اي معنادار وجود دارد.

در تبيين نتايج اين فرضيه مي‌توان گفت در جامعة كنوني، بهترين و جامع‌ترين اطلاعات در هر زمينه‌اي، مي‌تواند در كوتاه‌ترين مدت در دسترس همگان قرار گيرد، اما دسترسي به اين اطلاعات نيازمند مهارت است. دستيابي مؤثر به اطلاعات مورد نياز با صرف حداقل زمان و هزينه، يك مهارت ارزشمند و اساسي براي كارآفرينان مي‌باشد. بدون داشتن سواد اطلاعاتي، اين امر غير ممكن است.

اصولاً توانايي دسترسي مؤثر به اطلاعات، با مهارتهايي مانند استفاده از روشهاي مختلف و متنوع براي كسب اطلاعات و نيز تشخيص كاستيهاي احتمالي موجود در اطلاعات، همراه است. اين مهارتها به فرد كارآفرين در جمع‌آوري و كاربرد مناسب اطلاعات، كمك مي‌كند.

3. بين توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه‌اي وجود دارد؟

تجزيه و تحليل يافته‌هاي مربوط به سؤال سوم تحقيق نشان داد بين دو متغير توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات با كارآفريني در سطح 05/0p رابطه‌اي معنادار وجود دارد.

با افزايش توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات، قابليتهاي كارآفريني افراد نيز افزايش مي‌يابد. اطلاعات هنگامي مي‌تواند مفيد باشد و افراد را در كسب و كار خويش موفق گرداند كه صحيح و معتبر باشد. اطلاعات غلط و نامعتبر، نه تنها كمكي به افراد نمي‌كند و درك روشني در خصوص فرايند كسب و كار ارائه نمي‌دهد، بلكه آنان را در مسير حركت خود گمراه مي‌سازد (سالاري و حسن‌آبادي، 1383). به طور كلي، توانايي ارزيابي نقادانة اطلاعات با مهارتهايي مانند توانايي بررسي و مقايسه اطلاعات اخذ شده از منابع مختلف براي تعيين اعتبار و صحت و سقم اطلاعات، تشخيص وجود تقلب و دستكاري در اطلاعات، توانايي تحليل و بررسي ديدگاه‌هاي مختلف و متناقض است. مجموعة اين مهارتها به فرد كارآفرين اين امكان را مي‌دهد كه از صحت و قابليت كاربرد صحيح اطلاعات اطمينان حاصل كند.

4 . بين توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان، رابطه وجود دارد؟

تجزيه و تحليل يافته‌هاي مربوط به سؤال چهارم تحقيق نشان داد بين دو متغير توانايي كاربرد هدفمند اطلاعات با كارآفريني، رابطه‌اي معنادار وجود دارد.

كاربرد هدفمند اطلاعات به معناي به كارگيري اطلاعات براي رسيدن به يك هدف از قبل تعيين شده و مشخص است. بي‌هدفي و سرگرداني در هنگام جستجوي اطلاعات، سبب مي‌شود افراد بين درياي وسيعي از اطلاعات قرار گيرند كه دقيقاً نمي‌توانند تعيين كنند كدام دسته از اطلاعات كه همگي به يك موضوع خاص تعلق دارند، مي‌تواند به تحقق هدف آنان كمك كند (نظري، 1384). كاربرد هدفمند اطلاعات با مهارتهايي مانند توانايي استفاده از مآخذ و مراجع مختلف در جستجوي اطلاعات خاص و نيز به كار بردن دانش و تجربيات قبلي براي خلق يك محصول جديد، ارزيابي مي‌شود. توانايي استفاده از مراجع و مآخذ مختلف، اين امكان را به فرد كارآفرين مي‌دهد كه ديدگاه جامعي نسبت به موضوعي كه تمايل به كسب اطلاعات راجع به آن را دارد پيدا كند و ديدگاه‌هاي صاحب‌نظران مختلف را مقايسه و بررسي كند. در نتيجه، مي‌تواند اطلاعات كسب شده را به شكل هدفمند به كار گيرد، زيرا به درك روشني از مسئله رسيده است.

از ديگر مهارتهاي مربوط به كاربرد هدفمند اطلاعات، استفاده از تجربيات قبلي براي خلق يك محصول جديد است؛ بدين معنا كه فرد با استفاده از دانشي كه دربارة‌ مطلب يا موضوعي به دست مي‌آورد، بتواند يك محصول جديد خلق كند. اين محصول جديد مي‌تواند در قالب يك محصول اقتصادي و يا يك راه‌حل ابتكاري و جديد براي حل يك مشكل باشد.

5. بين توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي كاربرد اطلاعات و قابليتهاي كارآفريني دانشجويان رابطه وجود دارد؟

تجزيه و تحليل يافته‌هاي مربوط به سؤال پنجم تحقيق نشان داد بين دو متغير توانايي درك موارد حقوقي و اقتصادي كاربرد اطلاعات با كارآفريني در سطح 05/0p رابطه‌اي معنادار وجود دارد.

درك موارد حقوقي و اقتصادي مربوط به كاربرد اطلاعات، از ملزومات اساسي استفاده از اطلاعات است. بدون درك اين موارد، استفاده از اطلاعات جنبة غير اخلاقي و غير علمي مي‌يابد (سالاري و حسن‌آبادي، 1383، ص109). اطلاع از قوانين و اصول حقوقي و اخلاقي مربوط به استفاده از اطلاعات، باعث مي‌شود استفاده از اطلاعات در چارچوبهاي قانوني و اخلاقي خود صورت گيرد. رعايت اين قوانين سبب مي‌شود قضاوت دربارة‌ صحت و سقم اطلاعات نيز آسان‌تر شود. آگاهي از اين قوانين و حقوق، باعث استفاده بهتر و صحيح تر از اطلاعات و در نتيجه افزايش قابليتهاي كارآفريني مي‌گردد.

با توجه به نتايج حاصل از اين تحقيق، پيشنهادهاي ذيل ارائه مي‌گردد:

1.ارائة درس سواد اطلاعاتي به عنوان يكي از پيش نيازهاي اساسي تحقيق و پژوهش براي همه رشته‌ها يك ضرورت اساسي است. تصميم‌گيريهاي لازم بايد توسط سياستگذاران عالي اتخاذ گردد.

2. طبق يافته‌ها، از ميان مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي، كارآفريني بيشترين رابطه را با توانايي ارزيابي نقادانه اطلاعات داراست. بنابراين، دانشگاه‌ها مي‌توانند در آموزشهايي كه براي سواد اطلاعاتي طرح‌ريزي مي‌گردد، افزايش اين مهارت را در اولويت قرار دهند. افزايش اين مهارت، مستلزم افزايش توانايي در بررسي و مقايسة اطلاعات اخذ شده از منابع مختلف و همچنين تشخيص وجود تقلب و دستكاري در اطلاعات است.

3. يكي از مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي، درك موارد حقوقي و اقتصادي در استفاده از اطلاعات است. در تحقيق حاضر، ميانگين اين مؤلفه در ميان دانشجويان، از ساير مؤلفه‌ها كمتر بوده است. در نتيجه، بايد علل ناديده گرفتن موارد حقوقي و اقتصادي در استفاده از اطلاعات و بروز رفتارهايي دور از اخلاق علمي در اين خصوص، بررسي شود.

**منابع**

- اكبري، كرامت‌الله (1380 ). نقش نظام آموزشي ـ پژوهشي در توسعة كارآفريني**، مجموعه مقالات كار آفريني و فن‌آوري‌هاي اطلاعات پيشرفته.**

- احمدپور دارياني، محمود (1383). **كارآفريني: تعاريف، نظريات و الگوها،** تهران: انتشارات پرديس. صص 87-81.

- بدري، احسان و ديگران (1385). بررسي قابليت‌هاي كارآفريني دانشجويان دانشگاه اصفهان، **مجله پژوهش و برنامه‌ريزي در آموزش عالي**، دورة دوم، شماره40، ص90- 73.

- سالاري، محمود و ابوالفضل حسن‌آبادي (1383). «شناسايي و تحليل پيش‌نيازهاي دستيابي به مهارت سواد اطلاعاتي»؛ **مجموعه مقالات آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه و مراكز اطلاع‌رساني و موزه‌ها** 1 و2 خرداد. مشهد: سازمان كتابخانه‌ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان رضوي. صص 114-97.

- سترگ دره شوري، مجيد (1384). **مديريت ريسك**. اصفهان: انتشارات مؤسسه علمي دانش‌پژوهان برين.

- قاسمي، علي حسين و ديگران (1386). «هنجاريابي استاندارد قابليت‌هاي سواد اطلاعاتي (اي سي آر ال) براي جامعه دانشگاهي ايران»، **مجله دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي**. دوره هشتم، شماره سوم .صص 98-75.

- قناديان، مرضيه (1387). بررسي ميزان موفقيت دانشگاه‌هاي دولتي شهر اصفهان در تحقق رسالت كارآفريني. **پايان‌نامه كارشناسي ارشد**، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، دانشگاه اصفهان.

- كرمي، نادر و ديگران (1386). «بررسي سواد اطلاعاتي دانشجويان پزشكي شاغل به تحصيل در نيمة دوم سال تحصيلي 82-1381 در دانشكده پزشكي بندرعباس». **مجله الكترونيكي پژوهشگاه اطلاعات و مدارك علمي ايران**. دوره اول، شماره هفتم.

- مرديث، جفري و ديگران (1371). **كار آفريني**، مترجم: محمد صادق بني‌ئيان؛ تهران، انتشارات دفتر بين‌المللي كار مؤسسه كار و تامين اجتماعي.

- مقيمي، سيد محمد (1383). **كارآفريني در نهادهاي جامعه مدني**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- نظري ، مريم (1385). «طراحي، آزمون، اجرا و ارزيابي سواد اطلاعاتي براي دوره‌هاي تحصيلات تكميلي». **فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني**. شماره دوم. دوره نهم. صص 35-23.

- نوروزي چاكلي، عبدالرضا (1383). سياست‌هاي سواد اطلاعاتي در جوامع اطلاعاتي. **در مجموعه مقالات آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه و مراكز اطلاع‌رساني و موزه‌ها 1 و 2 خرداد**. مشهد: سازمان كتابخانه‌ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان رضوي. صص42-31.

- Association of College & Research Libraries (ACRL). (2003). Information Literacy Competency Standards for Higher Education. Chicago: American Library Association.

- Badcock, P. (2000). Webster Third New International Dictionary of the English language. Spring field , Mass : Merriam – Webster Inc. Publisher.

- Council of Australian University Librarians. (2001). Information Literacy Standards. Canberra: Council of Australian University Librarians. http://www.infodiv.unimelb.edu.au/telars/lru/standards.pdf (10 Feb. 2002).

- Freeman, C., Soete, L., (2002). The Economics of Industrial Innovation.MIT Press, Cambridge, p. 3.

- Hisrich, R. D. & peters, M. (2002), Entrepreneurship, New York: Mc-Graw Hil.

- Jennings, R. Cox. Cand Cooper, C.(1994). Business Elites, London: Rutledge.

- Longenecker, G. Moore, C and Petty. W. (1997). Small business Management: and entrepreneurial Emphasis, Cincinnati, Ohio: South-Western college pub.

- Machlup, F., (2000). The Production and Distribution of Knowledge in the United States. Princeton University Press, Princeton.

- MC Keran, D.and Flannigan, E.(1996). Shaping the entrepreneurial company, chal ford: Management Books 2000 Ltd.

- Moore, P. ( 2000). Learning Together: Staff Development for Information Literacy Education**,** in Information Literacy around the World. Advances in Programs and Research. Wagga Wagga, New South Wales: Charles Sturt University, pp 257-270.

- Schumpeter;J. (1934)The theory of economic development. cambridg : Harvard Univercity Press.

- Slaughter, S., Leslie, L., (2002). Academic Capitalism. Johns Hopkins University Press, Baltimore.

1. Statistical Package for Social Science.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref2" \o "). Association of College & Research Library (ACRL).

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref1" \o "). Moor.

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref1). Longenecker et al.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref2). Jennings et al.

[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref3" \o "). Machlup.

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref1). Merdith.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref2). Freeman.

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref1). Badcock.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref2). Schumpeter.

[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref3). Association of College & Research Library (ACRL).

[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref4" \o "). Hisrich & Peters.

[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref5" \o "). Gurol & Astan.

[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref6" \o "). Slaughter.

[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref7" \o "). Risk Management.

[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref8" \o "). Risk Assessment.